

دادنامه

آنجمن علمی حقوق دانشگاه کیلان

مهر ماه ۱۴۰۰

شماره اول

دوماهنامه

مهر ماه ۱۴۰۰

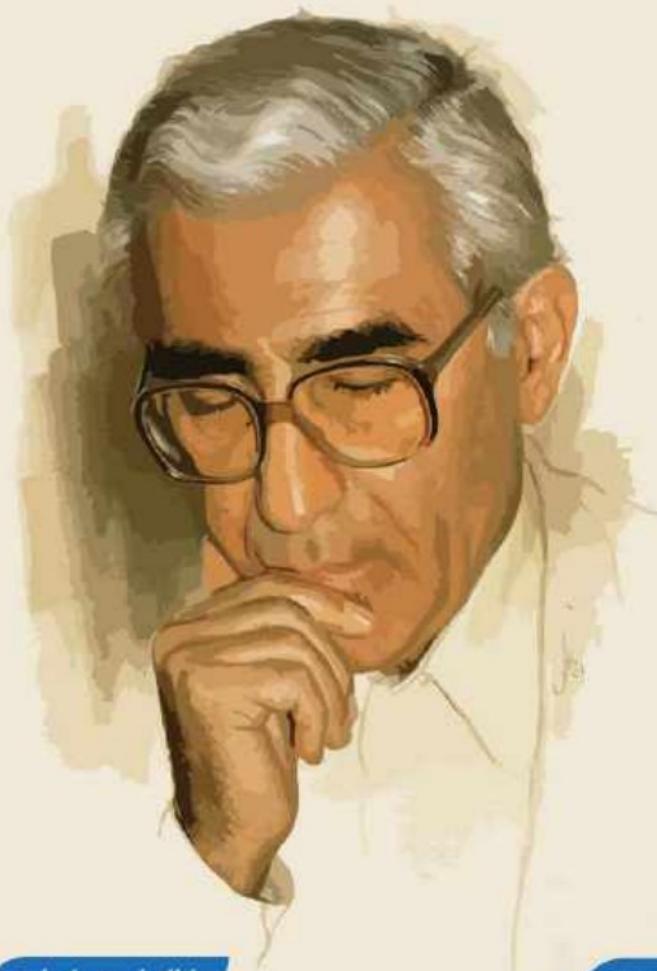


دراین شماره میخوانید:

- به این ترتیب؛ من شمارابه مرگ محکوم میکنم
- ویروس شناخته شده‌ای که همچنان قربانی می‌گیرد
- حق خداداد!
- مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل

وعناوین دیگر...

بهنام خداوندیکتا



اطلاعات دوماهنامه

صاحب امتیاز: انجمن علمی حقوق دانشگاه گیلان
مدیر مسئول و سردبیر: سیده الهه هاشمی
ویراستار: مهدی معافی، شیما زمانی
طرح جلد و صفحه آرا: سعید واشقانی

اعضای هیئت تحریریه و تویستگان

اعضای هیئت تحریریه:
ریحانه لوکی، مریم علیپور، مائده مسیب زاده
زهرا فرامرزی راد، حانیه الله یاری، فاطمه کوه نشین
تویستگان این شماره:
محمد احسانی، محمد شادپور، مائده مسیب زاده
مهدی معافی، آرمان بحقوبی مقدم

با تشکر از: قرشته مرادی، محمد امین خورشیدی

متوجه زبانه دکتر امیرناصر کاظمی

سخن سردبیر

نشریه «دادنامه» به همت اعضای محترم انجمن علمی و با حمایت اساتید گرانقدر گروه حقوق دانشگاه گیلان از سال ۱۳۹۸ شروع به فعالیت کرده است و علی‌رغم وجود ناهمواری‌ها و مشکلات، این نشریه خواهد کوشید که در هر شماره، به رسالت خود در بهقلم درآوردن حلوه‌هایی از حق و عدالت عمل کند و در حد توان به نقد کاستی‌ها و مصائبی که راه تحقق عدالت را سد نموده اند پردازد. به امید آن که این تلاش‌ها گامهای کوچکی باشد در جهتی که اساتید حق طلب جامعه‌ی حقوق پیش از این پیموده‌اند.

سیده الهه هاشمی



فهرست مطالب

۱	حق خداداد
۳	مصنوبیت دولت از نگاه حقوق بین الملل
۵	ویروس شناخته شده‌ای که همچنان قربانی می‌گیرد
۶	مجلسی کودور ماند از اصل خویش
۸	نگرهای نو پیرامون اجازه ولی درازدواج دختر باکره
۱۰	به این ترتیب من شما را به مرگ محکوم می‌کنم
۱۲	حقوق شرکت‌های تجاری



حق خداداد!

نقد نگاه قانون اساسی به همه پرسی
نویسنده: مهدی معافی

مقدمه

مراجعةه به آرای عمومی که در ذیل حق تعیین سرژوشت جای می‌گیرد، در اصول پنجاه و تهم و بکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است. مورد اول در رابطه با اعمال قوه مقتنه در مسائل بسیار مهم و مورد به نوعی مقید و محدود شده‌اند و به نظر می‌رسد که این محدودیت‌ها با اصل حاکمیت انسان بر سرژوشت خود چندان سازگار نیست. در ذیل به هر کدام از آن‌ها به‌طور مجزا پرداخته خواهد شد.

داشتن این گونه مواد و ساختن مناره‌های مساجد در سوئیس، از تموثه‌های اخیری است که در دنیا فراوان اتفاق می‌افتد.^۱ محدودیت دیگری که برای همه پرسی نقیبی می‌توان ذکر نمود، شرایط شکلی آن است. علاوه بر تصویب دو-سوم نمایندگان مجلس که در اصل پنجاه و نهم قید شده است، اصل بکصد و دهم بکی ازوظایف یا اختیارات رهبری را صدور فرمان همه‌پرسی شمرده است یعنی علاوه بر تصویب دو-سوم نمایندگان، به تأیید رهبری نیز احتیاج است. بنابراین شرایط مراجعته به آرای عمومی عملآشراط دشواری است.

اما نکته‌ی مهمی که باید در این گفتار به آن اشاره شود امکان پیشنهاد مراجعته به آرای عمومی توسط مردم است. این نکته در قانون اساسی مسکوت مانده و در مذاکرات مجلس بررسی تهابی قانون اساسی نیز راجع به آن بحثی نشده است. اساساً در حق تعیین سرژوشت، این محتوا از رفراندوم مد نظر است، جراحته اگر فقط اراده‌ی حکومت دخیل باشد، ممکن است درخواست مراجعته به همه‌پرسی، هیچ وقت اتفاق نیافتد.^۲ فلندا برای اعمال صحیح حق حاکمیت برسریوشت، قانون اساسی یک کشور باید از خواست مردم برای برگزاری همه‌پرسی حمایت گردد، به گونه‌ای که دولت را ملزم به تبعیت از اراده‌ی عموم نماید. چنان که در بسیاری از کشورها، اگر تعداد معین از اراده‌ی اموال شرایط که حد تصادب آن در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، پیشنهاد مراجعته به آرای عمومی را رایه کنند، دولت مکلف به برگزاری رفراندوم می‌شود. از فواید عملی شناسایی

اصل پنجاه و تهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقتنه از راه همه پرسی و مراجعته مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعته به آراء عمومی باید به تصویب دو-سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.» قید «بسیار مهم» حق مردم را در تصمیم‌گیری در مورد مسائل کم اهمیت‌تر نهی می‌کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد اگر مردم می‌توانند وکالتاً و از طرق نمایندگان خود در مجلس قانون وضع کنند، به طریق اولی اصل‌الذرا و مبنایت‌با نیز این حق را دارند. در برخی کشورها، موضوع همه‌پرسی، مسائل کوچک و غیرهمم را هم شامل می‌شود؛ از جمله اخذ مالیات و موارض بر برخی کالاهای خدمات، اجازه مصرف ماریجوانا با

^۱ حق حاکمیت انسان بر سرژوشت اجتماعی خوبی که در اصل ۶۵ قانون اساسی از آن تحت عنوان «حق خداداد» باد شده است. ^۲ اسلامی، رضا (۱۳۹۰)، «دو روی سکه همه پرسی اماجنتایه سیاسی اجتماعی»، فصل حق ملت، بن بکم، ش، ص ۱۷-۲۰.

این حق آن است که مردم در صورت تارضیاتی از حکومت با تصمیمات حکومتی، میتوانند به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت، بررسی‌نشست خود و مملکت خود حاکم شوند.

شیوه‌ی بازنگری قانون اساسی، خود در بازنگری سال ۱۳۶۸ وارد قانون اساسی شد، آخرین اصل قانون اساسی در این رابطه مقرر می‌دارد که پیشنهاد بازنگری در قانون اساسی با رهبری است. آنچه در سطوحی پیشین در مورد حق مردم برای پیشنهاد مراجعته به آرای عمومی گفته شد، در این باره تبیض صدق می‌گذارد از تکرار آن برهمز می‌شود. آنچه در این گفتار مدت نظر است فرمتن از این اصل است که مقرر می‌دارد: «محنواهی اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و اینسانی کلیه فوائین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و بایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و تبیض اداره امور کشور با اثکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است». به این اصول، در ادبیات حقوق اساسی «اصول بنیادین» گفته می‌شود. یعنی اصول که مربوط به بنیان و اساس یک نظام سیاسی است. نگارنده قصد پرداختن به عیوب نگارشی موجود در این اصل را ندارد. آنچه مقصود است، استثنای گردن برخی اصول از امکان بازنگری و محدود کردن حق حاکمیت ملت بررسی‌نشست خوبیش است. «از این حقوق محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی با این استدلال که نویسنده‌ان قانون اساسی اولیه نیاید تمایلات خوبیش را بر نسل های بعدی تحمل نمایند مورد ایراد قرار می‌گیرد.» از طرف دیگر، همانطور که پیش تر گفته شد، در شرایطی که حکومت مقبولیت مردمی نداشت، مطلوبیت نیز ندارد و هدف از تشکیل آن نیز تأمین نخواهد شد. جامعه‌ی پسری دائمًا در حال تغییر و پویایی است و ایستایی قانون موجب ایجاد فاصله بین آن و واقعیت جامعه و نهایتاً منجر به عدم مقبولیت و در نتیجه نقض آن خواهد شد. البته تغییر اصول بنیادین یک نظام سیاسی در واقع منجر به تغییر آن نظام به نظام دیگری خواهد شد و معمولاً نظام‌های سیاسی از راهه راهکار رسمی برای این تغییر که به معنای براندازی خودشان می‌باشد، پرهیز می‌کنند؛ در این حالت تغییر مسالمت آمیز نظام سیاسی امکان پذیر نخواهد بود و این امر گزیری نخواهد داشت جز اعتراض و نافرمانی و توسل به زور^۲ البته برخی حفوقدان برای رفع قانونی این محدودیت، پیشنهاد کرده‌اند که «قواعد مندرج در برای محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی ایندا تجدید نظر شوند تا زمینه‌ی تجدید نظر پیشی در هسته‌ی نفوذ ناپذیر قانون اساسی فراهم گردد.» به عبارت دیگر، ایندا ضمن بازنگری اصل ۱۷۷ محدودیت‌های مذکور مرتفع گردد، سپس سایر اصول مورد بازنگری قرار گیرند.

۱- نقی‌زاده، جواد و فراسی جویباری، «حصمه ۱۷۷ قانون اساسی با تأثیر بر مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۷، ش. ۳۴، ص. ۱۷۷-۲۶۰.

۲- غمامی، سید محمد مهدی و حسینی، سید حسن (۱۳۹۶)، «میان نظری امکان بازنگری بنیادین قانون اساسی»، قصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵، ش. ۱، ص. ۱۰۴-۱۵۱، نایاب مشاهده در http://ijplq.slu.ac.ir/volume_9629.html.

مصونیت دولت از نگاه حقوق بین الملل

نویسنده: محدثه احسانی
دانشجوی رشته حقوق

مقدمه

با زوال تدریجی مفهوم شخصی حاکمیت و ایجاد جمهوری های جدید در اروپا و آمریکا، گسترش تجارت و بازرگانی میان کشورها و افزایش دخالت دولت در توسعه اقتصادی گذشت، به تدریج مسائل پیچیده‌تری برای دادگاهها مطرح شد. دولتها، هر روز بیش از پیش کنترل فعالیت های را در دست گرفتند که قبل از اینکار بخش خصوصی و اکنون شده بود. انحصارات دولتی تدریجاً گستردۀ تر شد و روابط تجاری دولت با اشخاص خصوصی، منجر به اختلافات بسیاری می‌گردید که توسط اشخاص خصوصی تزد دادگاه های داخلی مطرح می‌شد. با شکل‌گیری این تحولات، به تدریج ناکارآمدی تئوری مصونیت مطلق مورد توجه قرار گرفت و تئوری مزبور مبنی و فلسفه وجودی خود را زد. از یک سو پایه‌بایش دولت‌های جدید، دولت دیگر از آن چنان شان و قداستی برخوردار نبود تا تعقیب آن در دعای اشخاص خصوصی، آسیبی به شان و منزلتش وارد سازد و از دیگر سو، با توجه به توسعه دخالت دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، در جایی که دولت همانند سایر بازرگانان به تجارت و کسب سود می‌پرداخت، برخورداری دولت از امتیاز ویژه مصونیت، ناعادله و در تعارض با اصل آزادی تجارت شناخته می‌شد و به دلیل ایجاد مانع در راه دسترسی به عدالت قضایی، به طور ناعادله خطوات تجارت بین المللی را به زبان تجار خصوصی افزایش می‌داد. از این رو، به تدریج رویکرد جدیدی میان حقوق‌دانان، قضات و دولت‌ها بپیشگیری گردید که برای آن عدول از مصونیت مطلق در شرایط خاص، تقضی برایری و شان و منزل دولت‌های حاکم محسوب نمی‌شد و می‌توانست بدون لطمه به حاکمیت کشور خوانده، مانع مصونیت در رسیدگی به برخی دعای را منتفع نماید. در اوایلین گام، برخلاف تئوری عدم امکان تعریف و تمایز میان اعمال تصدی و حاکمیت، معیارهایی برای تمایز این اعمال از یکدیگر مطرح گردید و دادگاه‌های داخلی اجازه یافتد تابا در نظر داشتن این معیارها و جداسازی اعمال تصدی از اعمال حاکمیت. صرفاً در مورد مصاديق از اعمال تصدی، بر دولت‌های خارجی اعمال صلاحیت کنند. این گرایش که به تئوری مصونیت محدود یا نسبی معروف گردید، بعد این ایعاد گستردۀ تری به خود گرفت و به مواری اعمال تجاري نیز توسعه یافت. تئوری مصونیت محدود در ابتدا که مورد توجه محاکم کشورهای اروپایی واقع شد، مبتنی بر این فرض بود که جون در این دوران، دولت‌ها در بسیاری از امور بازرگانی و صنعتی مستقیماً مداخله می‌نمایند، دیگر تمی‌توانند با تکیه بر نظریه مصونیت، از زیر بار تعهدات خود در زمینه اعمال تصدی شانه خالی گنند. لذا در این گونه موارد باید به اشخاص اجازه داده شود تا بتوانند علیه دولت اقامه دعوى کنند و حتی علیه دولت به اقدام‌های اجرایی متولّ شوند. اما در زمینه مسائل مربوط به اعمال حاکمیت، رعایت شئون و مصالح سیاسی دولت، حتی در مورد دول خارجی، ایجاب می‌گند که از قبیل دعوى علیه دولت امتناع شود. البته تمیز اعمال حاکمیت از اعمال

در دوران گذشته، حاکمان و علمای حقوق بین الملل، بر اصل عام مصونیت مطلق حاکم و اموالش از اعمال صلاحیت پادشاهان دیگر تأکید داشتند. این دکترین لازمه نظریه استقلال و برابری دولت‌ها و وضعیت محترمانه حاکم و پادشاهان تلقن می‌شد. از نظر تاریخی، از یک سو، به موجب یک عرف بسیار قدیمی در کامن لا، فرض براین بوده است که دولت از هر مستولیتی میزد است. زیرا گفته شده که نمی‌توان علیه مرخصی که خود موجد حق است و اصل حق ناشی از اراده اوست، اقامه دعوى نمود و قوه حاکمه را نمی‌توان برخلاف میل آن، تحت صلاحیت دادگاه ها درآورد. از سوی دیگر، ریشه تئوری مصونیت مطلق را می‌توان در اصل سنتی حقوق روم که مطابق آن «برابرها بر یکدیگر صلاحیت (برتری) ندارند» یافت. مطابق این اصل که اساساً مربوط به تنظیم توزیع داخلی قدرت در داخل مزهای صلاحیتی امپراتوری روم بوده است، پذیرفته شده بود که پادشاه حاکم، نباید تحت صلاحیت قضایی داخلی یا خارجی قرار گیرد. مطابق این اصل قدیمی، دولت خارجی همانند دولت مقر دادگاه، باید از مصونیت مطلق برخوردار باشد. این دو استدلال، در واقع تعبیری از اصول شان و منزل دولت و برابری و استقلال دولت‌ها به عنوان شناخته شده‌ترین مبانی مصونیت دولت است، که در روبه و دکترین، برای اتخاذ رویکرد مصونیت مطلق، مورد استناد قرار گرفته است. بنابراین استدلال‌ها، تئوری سنتی مصونیت مطلق، مدت زمانی طولانی، مانع از آن بود که دادگاه‌ها بتوانند به ادعاهای مطرح علیه دولت‌های خارجی رسیدگی نمایند و لذا دولت‌ها در هر دو دسته دعای اجرایی و غیرتجاری، دارای مصونیت بودند و تئوری مصونیت مطلق، همچنان به عنوان تنها راه حل مسأله رسیدگی دادگاه‌های ملی به دعای اعلیه دولت‌های خارجی تلقی می‌شد و رسیدگی به اعمال دولت‌های خارجی در دادگاه‌های داخلی مطلقاً آمکان بذیر نبود.

تصدی، عملنا بر معیار انجام پذیرنودن توسط اشخاص خصوصی استوار بود، به گوشه‌ای که اکثر عملی بر حسب ماهیت، توسط اشخاص خصوصی قابل انجام بود، عمل تصدی، و چنانچه از اعمال ویژه حاکمیت که اشخاص خصوصی حق ورود در آن را ندارند بود، یک عمل حاکمیتی به شمار می‌رفت. بر اساس این معیار، که همچنان اعتبار خود را در رویه دولتها حفظ کرده است، با توجه به نیاز بازار تجارت بین المللی، اولین فعالیتی که توانست به عنوان عمل تصدی مستثنی از اصل مصوبیت عطلق پذیرفته شود، فعالیت تجاری دولتها بود. با تثبیت و استقرار استثنای فعالیت تجاری، از آنجاکه اعمال تصدی، یعنی فعالیت‌ها و اعمال مشترک میان دولت و اشخاص خصوصی محدود به فعالیت تجاری نیست، به تدریج مصادیق دیگری از اعمال تصدی، از قبیل قرارداد استخدامی و حقوق مالکیت معنوی، به عنوان مستثنیات جدیدتر اصل مصوبیت دولت شناخته شدند و بدین سان تئوری مصوبیت محدود، به ابعاد دیگر اعمال غیرحاکمیتی دولتها نیز گسترش یافت.

ویروس شناخته شده‌ای که همچنان قربانی می‌گیرد!

نویسنده: مائده مسیب‌زاده

مقدمه

کلاهبرداری اینترنتی به نسبت کلاهبرداری سنتی سبک‌تر است و حتی این اختیاریه قاضی داده شده تا از بین مجازات حبس و جرای نقدي یکی یا هر دو را برای مجازات مجرم انتخاب کند به عقیده دکترا ایرج گلدویان دلیل این تفاوت در تعیین مجازات این جرم که در دو پست متفاوت رخ می‌دهد این است که «با قانون‌گذار در سیاست‌های کیفری خود به جنبه ارمایی کیفرهای شدید اعتماد و اعتقاد نداشته و با ملاحظات بین‌المللی و استرداد مجرمین مورد توجه قرار گرفته است.

نشکایت از جرم کلاهبرداری اینترنتی مانند سایر جرایم رایانه‌ای این‌ها می‌باشد در دادسرای جرایم رایانه‌ای مطرح شود، سپس از طریق پلیس فنا تحقیقات لازم را بینگیری نمود تا در نهایت به صدور حکم در دادگاه بیانجامد. با این وجود، در این دسته از جرایم بهترین راه حل، بیشگیری از وقوع جرم است. در این قسمت بعضی از روش‌های رایج که منجر به کلاهبرداری می‌شود را به لقل از پایگاه اطلاع رسانی پلیس فنا نام می‌بریم. در بیشتر این اقدامات هدف اصلی مجرمین دستیابی به اطلاعات بانکی افراد و سپس برداشت غیرمحاذ از حساب افراد است.

۱- فروشن اقلام و ارائه خدمات با ارزان‌ترین قیمت به طوری که افراد نسبت به خرید آن‌ها وسوسه شوهد؛

۲- کلاهبرداری‌های اینترنتی در قالب امور خیریه مانند مؤسسات جعلی خبریه با ارائه شماره حساب برای کمک به افراد؛

۳- ارائه اینترنت رایگان و نامحدود در مکان‌های عمومی حتی در رستوران‌ها و هتل‌ها که موجب هک شدن اطلاعات اشخاص و به سرفت رفتن اطلاعات بانکی آن‌ها می‌شود؛ قطعاً شیوه‌های متعدد و متنوع برای کلاهبرداری اینترنتی وجود دارد و کلاهبرداران افراد یا هوشی هستند که هر روز درین کشف راه جدیدی برای بودن مال دیگران من باشند، در این بین، افزایش هوشیاری و آگاهی شهروندان نقش به سزاوی در ناکامی این کلاهبرداران خواهد داشت.

پیشرفت روز افزون تکنولوژی، راحتی و تسهیل در کارهار برای کاربران آن به ارمنان آورده است، اما از طرفی نمی‌توان منکر مشکلات عدیده‌ی آن شد. یکی از آن مشکلات، جرایم مربوط به رایانه می‌باشد که موضوع آن در دو دهه‌ی اخیر، دولت‌ها را برآن داشته تا از طریق قوانین کیفری، حتی الامکان این دسته از جرایم را کنترل کنند.

در این نوشتار سعی مایه‌آن است که به یکی از گستردۀ ترین و رایج‌ترین بخش‌های جرایم اینترنتی، یعنی کلاهبرداری اینترنتی پردازیم.

کلاهبرداری سنتی، موضوع ماده ۱ «قانون تشديد مجازات مرتكبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری»، به گونه‌ای است که قربانی با کلاهبردار ارتباط فیزیکی و رو در رو دارد و از این طریق کلاهبردار او را فربد داده، امیدوار کرده یا می‌ترساد و از طرق مقتبلانه، وجود نقد با سایر اموال منتقل و غیرمنتقل شخص را می‌راید؛ اما در کلاهبرداری اینترنتی کلاهبردار از طریق دستگاری در داده‌های موجود در سیستم رایانه‌ای اقدام به بودن مال قربانی می‌گند (ماده ۱۳ جرایم رایانه‌ای). در واقع در این نوع از کلاهبرداری، مجرمین از وسائل و ابزاری استفاده می‌کنند که در کلاهبرداری سنتی قابلیت طرح ندارند.

مجازات کلاهبرداری سنتی طبق «قانون تشديد مجازات مرتكبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری»، علاوه بر بد مال به صاحب آن، یک تا هفت سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده می‌باشد؛ در حالی که طبق ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای «هرگنس به طور غیر محاذ از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی... وجه با مال یا منفعت با... برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر بد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال با جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا بیست میلیون ریال با هر دو مجازات محکوم خواهد شد». بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود، مجازات قانونی

مجلسی کودور ماند از اصل خویش...

صاحبہ دادنامه بادکتر حبیب نژاد

صاحبہ گر: مهدی معافی

مقدمه

است که در هر دو بخش، هم آگاه و دانا باشند و هم توانا
دومین عامل، پایین آمدن یا پایین آوردن جایگاه مجلس است. اگر
جایگاه و نقش مجلس، از نقش جیانی، با اهمیت و حساس به
نقش دست دوم و ثانوی نباید گردد، لئن توان انتظار داشت که
مجلس بتواند از اختیارات خود استفاده کند، حتی اگر «بخواهد»
نمی‌تواند.

سومین عامل که می‌تواند موجب استفاده بیشتر مجلس از
اختیارات خود شود، تقویت و تعمیق و توسعه‌ی بهره‌مندی مجلس
از ظرفیت‌های دانشگاهی و تهاده‌های علمی و باساختارهای علمی
مانند انجمن‌های علمی است. تا زمانی که رابطه‌ای مستقیم و
سیستماتیک میان پارلمان و دانشگاه و جامعه دانشگاهی نباشد،
نمی‌توان انتظار زیادی داشت. البته جامعه دانشگاهی نیز باید
دغدغه‌های علمی خود را بامساله و تیارهای جامعه بپوند بزنند.
• طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، مجلس حق تحقیق و تفحص در
همه امور کشور را دارد. تحوه استفاده مجلس از این امکان را
در دوره مجلس دهم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر به لحاظ کمیت بخواهید تحقیق و تفحص رادر مجلس دهم در
نظر بگیرید، آمار آمار ضعیفی نیست. طبق گفته عضو هیات رئیسه
مجلس، حدود ۲۰۰ طرح تحقیق و تفحص، در دوره دهم از سوی
نمایندگان مطرح شد، ولی نکته مهم، کیفیت این طرح‌های تحقیق
و تفحص و به نتیجه رسیدن این طرح‌ها است که متأسفانه تعداد
کمی از این طرح‌های تحقیق و تفحص بیگیری جدی شدند.
بنابراین، به هر دلیل مانند تراکم کاری نمایندگان و این که وقت
کافی ندارند یا به دلیل لایه‌های احتمالی بعدی، طرح‌های تحقیق و
تحقیص به سرانجام نمی‌رسد و به اندازه اطلاعی که بینه دارم کمتر از
ده طرح تحقیق و تفحص به نتیجه ای رسیده است؛ آن هم کسی
می‌تواند بگوید با توجه به هزینه‌های زیادی که برای تحقیق و
تفحص وجود دارد، شاید هر یه‌فایده اقتصادی چندان بر چین
تحقیق و تفحص های پارلمانی مترب نیست و اثر بخشی زیادی را
در این مورد نمی‌بینیم.

پرسش دادنامه و پاسخ دکتر سید احمد حبیب نژاد
با این که بیش از یک قرن از تأسیس اولین پارلمان در ایران
می‌گذرد، همچنان اما این نهاد که ماحصل اندیشه‌ی تقدیک
قوای بوده و به منظور پرهیز از تمرکز قدرت تصمیم‌گیری و
قدرت اجرایی در نهاد واحد ایجاد شده است، شأن واقعی
خود را در کشور ما نیافرته و می‌شود گفت از اصل خود دور
مانده است. دلیل این دور ماندگی می‌تواند تفسیر موسع از
ولایت مطلقه از یک سو، واگذاری پرخی اختیارات تقیینی به
نهادهای متفرقه از سوی دیگر و عدم درک صحیح ملت و
نمایندگان ملت از وظایف مجلس از دیگر سو باشد.

اندکی بیش از انتخابات بازدهمین دوره مجلس شورای
اسلامی، در این باره سوالاتی از دکتر سید احمد حبیب نژاد،
عضو هیئت علمی پردیس فارابی پرسیده شد و ایشان بطور
مکتوب به سوالات ما پاسخ دادند. قرار بر این بود که نخستین
شماره دادنامه در همان زمان و در آستانه‌ی انتخابات به
همراه این پرسش و پاسخ‌ها منتشر شود. اما به دلیل برخورد
با برخی مواقع این امکان قراهم نشد. با این حال، مدام که
مجلس برقرار است، مطالعه‌ی این سطور مقتض خواهد بود.
ناگفته نمایندگان پرسش‌های نیز راجع به شورای نگهبان مطرح
گردیده بود که بپاسخ ماند.

متن مصاحبه

• چه عواملی باعث می‌شود که مجلس نتواند از اختیارات خود
به نحو احسن استفاده کند؟
اولین عامل، ضعف خود نمایندگان است. نمایندگان ضعیف،
مجلس ضعیف را ایجاد می‌کنند و نمایندگان قوی، مجلس قوی.
عدم آشنایی نمایندگان با کارویه‌های پارلمانی، بدون شک باعث
می‌شود مجلس نتواند به نحو کاملی از اختیارات خود استفاده
نماید. دو کار ویژه «قانون‌گذاری» و «الناظارت» نیازمند نمایندگانی

قانون انتخابات مادرای نقص و کاسته‌های زیادی است، مورد اجماع همه حقوقدان است.

در ذکر دلایل رد صلاحیت نمایندگان فعلی مجلس، مسائلی مثل فساد مالی مطرح شد. به نظر شما این حد از فساد مالی بین نمایندگان ملت از چه علی نشأت می‌گیرد؟

به طور کلی، فساد در هر نهادی مذموم است و فساد مالی آن هم در این فضایی که مردم نجیب به خاطر مشکلات ناشی از تحریم و غیره، روزگار سختی را می‌گذرانند، مذموم تر است؛ حال می‌خواهد در هر کجا و هر کسی باشد. اما به طور کلی به نظر بندۀ، فسادهای مالی دارای دو منشأ است. منشأ درونی که حرص و آرائسان است و منشأ بیرونی که سوء استفاده از قدرت و عدم کنترل و نظارت پایسته و شایسته بر صحابیان قدرت است.

سیستم‌های نظارتی بر نمایندگان، چه در دوره تبلیغات انتخاباتی و چه در دوره نمایندگی بسیار ضعیف، نجف و ناکارآمد است.

جلوگیری از فساد مالی در مجلس با توجه به اطلاعات، قدرت و توانایی که نمایندگان در دسترسی به داده‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دارند، باید متن تن ترا واقعی تر و کارآمدتر گردد. آیا می‌توان از جامعه حقوقدان و حقوق‌خوانان کشور انتظار ویژه‌ای در مورد انتخابات داشت؟ به عبارت دیگر آیا این گروه می‌توانند نقش ویژه‌ای در انتخابات ایفا نمایند؟

جامعه‌ی حقوقی شاید تزدیک‌ترین گروه به پارلمان است و محور فعالیتشان که قانون است، از درون مجلس بر می‌خیار. متأسفانه به دلایل مختلف، حضور حقوق‌دانان در مجلس کم است که البته می‌تواند این بی‌رغبتی به دلایلی از سوی مجلس برگردد، ولی به هر حال، حقوق‌دانان کمی را در گمی‌سیون‌های مجلس شاهد هستیم. این ضعف در مصوبات کارگروه‌ها، گمی‌سیون‌ها و صحن مجلس مشهود است و می‌توان دریافت که اگر به لحاظ کیفی و کیفی، حقوق‌دانان ظهور و بروز بیشتری در مجلس داشتند، می‌توانستیم شاهد مصوبات متفق‌نری باشیم.

البته ادبیات حقوق پارلمانی ما هم آتجهان پر پار نیست. ان شاء الله امیدوارم با اجرایی کردن رشته‌ی «حقوق مطالعات قانون‌گذاری» که در پردیس فارابی دانشگاه تهران و مرکز تحقیقات اسلامی مجلس و با حمایت‌های بسیار خوب مجلس و دانشگاه تهران مراحل تصویب خود را گذرانده است، شاهد حضور پر رنگ‌تر حقوقی‌ها در مجلس باشیم. به همراه دوستانمان در حال پیگیری دوره‌های آموزشی پارلمانی، مدرسه تابستانی پارلمانی و مهم‌تر از همه برگزاری با قوت رشته حقوق مطالعات قانون‌گذاری هستیم تا بنوییم دانشگاه و پارلمان را با هم بیشتر مرتبط سازیم و البته جوانان خوبی در حوزه حقوق پارلمانی در حال رشد و نمو هستند. به نظرم ظرفیت‌های دانشگاهی خوبی در جامعه وجود دارد که استفاده و بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها می‌تواند به قانون‌گذاری شایسته و پارلمان شایسته بینجامد.

• انتخابات مجلس تا چه حد و چگونه می‌تواند بر سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... ملت مؤثر باشد؟

مجلس تنها مرجع قانونگذاری است و قانون بمعنوان قاعده‌های کلی و توعی، بر زندگی و سرنوشت ۸ میلیون ایرانی مؤثر است. تمام روابط اجتماعی شهروندان با همین فواید و مفہوم وابسته به این فواید، نظم و نسق پیدا می‌کند. وزرا در این مجلس تأیید می‌شوند و در این مجلس مورد نظرات ارسوال، تذکر، استیضاح و عزل قرار می‌گیرند. بنابراین توجه به مجلس، توجه به سرنوشت مردم است؛ اما باید بدانیم که مردم هم باید این اهمیت را حس کنند. مردم زمانی حين می‌کنند که نقش و جایگاه مجلس در نظام تصمیم‌گیری و اعمال حاکمیتی در کشور، نقشی اصلی و مهم است که مجلس نیز خود بر این امر، هم واقع پاشد و هم به آن عمل نماید و اهتمام کند. مهم‌ترین عنصر در نگاه شایسته مردم به مجلس، رویکرد و عملکرد خود مجلس است.

مجلس باید به هیچ وجه مردم را نایابید کند. نایابید کردن مردم از مجلس بسیار خطناک است و باعث می‌شود مردم نسبت به سرنوشت خود بی‌انگیزه شوند و حساسیت شفاف نداشند و این امر به هیچ وجه درای یک جامعه‌ی سیاسی شایسته نیست.

• مردم چه معیارهای را باید برای انتخاب تماینده خود مدنظر قرار دهند؟

معیارهای زیادی را می‌توان مطرح کرد. این نکته مهم است که شرایطی که برای کاندیداتوری مجلس در قانون انتخابات مجلس آمده است، فقط و فقط شرایط حداقلی و کف شرایط است، اما واقعاً مجلس قوی و توانمند با افرادی با این شرایط حداقلی ایجاد نمی‌شود.

به نظرم در کنار همه معیارهای کیفی تماینده، آن چیزی که مهم است آن است که اولاً نامزد انتخابات مجلس، تعییت به کارویزه‌های مجلس یعنی قانون‌گذاری و نظارت، آگاهی داشته باشد و این بسیار مهم است. مجلس جای کارآموزی نیست. محل آزمون و خطای نیست. واقعاً اگر نامزدی در این دو حوزه «نظارت» و «تعیین» آگاهی ندارد، شرعاً حق کاندیداتوری ندارد و حق انسان بر گردش است.

ثانیاً توجه به نیازها، اولویت‌ها و مشکلات مردم باید اهتمام اصلی نمایندگان باشد، له نیازها، اولویت‌ها و مناقع گروه‌های سیاسی و لایه‌های سیاسی.

• قوانین و رویه‌های مربوط به انتخابات مجلس، تا چه حد با حق تعیین سرنوشت ملت همسوی دارند؟

قانون، ساخته‌ی بشر است و قانونی وجود ندارد که کامل باشد، بلکه به مرور زمان و بر اساس تجارب عمل به هر قانونی می‌توان آن را بازسازی کرد، اصلاح نمود یا تفاسیر پهلو و کارآمدی را از آن قانون انجام داد. بنابراین قانون انتخابات تبلیغ مستثنی نیست و می‌تواند در بخش‌های مختلف خود مورد بازنگری قرار گیرد و این امر که

نگرهای نو پیرامون اجازه ولی در ازدواج دختر باکره

نویسنده: محمد شادپور
دانشجوی رشتهٔ حقوق

مقدمه

برای پاسخ، ناگیر از رجوع به فقه به عنوان اساس قانون‌گذاری در نظام مدنی می‌باشیم. در بین فقهاء در خصوص عدم ولایت ولی بر دختر بالغ غیرباکره هیچ تردیدی وجود ندارد اما در خصوص دختر بالغ باکره تردید‌های قابل مشاهده می‌باشد. سه نظر مورد توجه اکثر فقهاء است: (الف) ولایت از زمان بلوغ ساقط می‌شود. (ب) مادامی که دختر باکره می‌باشد، ولایت بقدام اراده. (ج) ولایت بین دختر و ولی او اشتراکی است. برخی از فقهاء از باب احتیاط و قانون مدنی نیز تظر سوم را پذیرفته‌اند. حال به برسی و لقد ماده مزبور خواهیم پرداخت، اولین بحثی که مطرح می‌شود به کار بردن «اجازه» بدل «اذن» می‌باشد. وجود تمایزی برای این دو واژه شمارش شده است. «اذن» قابل از عمل حقوقی به مأذون داده می‌شود درحالی که «اجازه» پس از تصرف و عمل حقوقی است. شخص مأذون را قائم مقام اعطای‌گشته اذن می‌دانند در حالی که در اجازه بدين صورت نمی‌باشد. اذن قابل رجوع است اما اجازه چنین نیست. قانون‌گذار می‌باشد. برای تحمیل نظر خود و قوع ازدواج را موقوف به اذن ولی می‌دانست در حالی که موقوف به اجازه دانسته است. همانطور که ذکر شد، اجازه پس از یک عمل حقوقی صادر می‌شود ته پیش از آن، متعاقب آن در قسمت پایانی ماده مقرر داشته است که در صورت عدم اجازه ولی و پس از مراجعته به دادگاه مدنی، خاص که بهتر بود از «دادگاه ذیصلاح» بهره‌برده می‌شد، چرا که دادگاه مدنی خاص، امروزه حیات ندارد. اجازه دادگاه را برای «ائیت» ازدواج دریافت می‌دارد و اشاره‌ای به قوع ازدواج ندارد و همانگونه که آشکار است، نیت و قوع ازدواج دو فرایند و مرحله‌ی مستقل می‌باشد، فلذا دختر باکره و بالغ، اهلیت نام را برای وقوع ازدواج خواهد داشت و عدم ثبت ازدواج به معنای عدم وقوع آن نمی‌باشد. برای استحکام بخشیدن به این نظر می‌توان از ماده ۱۴۳ قانون مدنی نیز بهره برد. این ماده مقرر داشته است که در صورت عدم امکان استبدان و احتیاج دختر به ازدواج، مطابق قاعده فقهی لاضر و لاحرج می‌تواند

در مقام آرائه مقدمه‌ای به جهت بیان این برداشت، ناگیر از آنیم که به ماده ۱۴۳ اـ قانون مدنی رجوع نماییم. ماده مزبور در سیر قانون‌گذاری تحولات و اصلاحات را تجربه نمود. در قانون سال ۱۳۹۳ دختری که به سن ۱۸ سال تمام رسیده بود، برای ازدواج همچنان تحت ولایت ولی خود قرار داشت که یک قاعده استثنائی قلمداد می‌شد. همچنان که در صورت عدم اجازه ولی می‌باشد به دفتر ازدواج (نه دادگاه خاص) رجوع می‌نمود و برای وقوع ازدواج اجازه کسب می‌کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی و طی اصلاحات سال ۱۴۰۰ ملاک سن ۱۸ سال برای کبرسن حذف گردید و این چنین اصلاح گشت که: دختر بالغی که هنوز شوهر نکرده باشد، برای ازدواج نیاز به اجازه ولی خواهد داشت و در صورت امتناع می‌باشد به دادگاه مدنی خاص مراجعه بنماید. مطابق این فرض قانون‌گذار، دختر غیرباکره‌ای که ازدواج نکرده باشد نیز برای ازدواج تیازمند اجازه ولی خود بود. در سال ۱۴۰۷ در مرتبه‌ای دیگر ماده مذکور اصلاح گردید؛ تفاوت ماده اصلاحی با ماده سابق چنین بود که در صورت باکره بودن دختر و رسیدن به سن بلوغ، برای ازدواج نیاز به اجازه ولی می‌باشد. حال اگر دختر باکره‌ای ازدواج نخست نموده و قبل از زوال بکارت جدا شده باشد، برای ازدواج بعدی نیز تیازمند اذن ولی است. آنچه ملاک وجود یا عدم اذن ولی می‌باشد، باکره بودن دختر است. حال اگر دختر بر اثر موقعه شرعی یا غیرشرعی فاقد این وصف شود، برای ازدواج تیازمند اذن ولی نخواهد بود. همچنین زوال بکارت بر اساس غیر موافقه مانند کسالت در حکم باکره و مشمول ماده ۱۴۳ اـ قانون مدنی می‌باشد. حال پرسنلی مطرح می‌شود که در صورت امتناع ولی از اذن، آیا دختر می‌تواند مستقل و بدون اجازه دادگاه اقدام به واقع ساختن ازدواج نماید؟

بدون اذن ولی ازدواج نماید. تصره‌ی این ماده نیز ثابت ازدواج در دفترخانه را منوط به اجازه دادگاه مدنی خاص نموده است. شکفت آن است که در این ماده، قانون گذار به اذن اشاره نموده است، در حالی که در زمان اصلاح این دو ماده، در ماده ۴۳۰ قانون مدنی اجازه ولی را لازم دانسته است؛ مطابق ماده ۴۳۰ قانون مدنی یک خانم ۴۳ ساله که مشمول ماده است، آبتوانایی تشخیص مصلحت خود را تدارد و می‌باشد برای وقوع ازدواج، اذن پدر خود برای تشخیص مصلحت خود را حاصل نماید؟ پرسش دیگر اکر اذن ولی را برای وقوع ازدواج لازم بدانیم؛ در صورت وقوع ازدواج بدون اذن ولی، آن ازدواج غیرنافذ است؟ به عبارت دیگر اگر آن ازدواج در جهت مصلحت دختر بوده است و شوهر او شخص مناسبی باشد، ولی من تواند به صرف آنکه اذن او کسب نشده است، آن را منحل نماید؟ تالی فاسد دیگر آن این است که اگر دختری بدون کسب اذن ولی خود ازدواج نماید و پس از نزدیکی وصف باکره بودن خود را از دست دهد، پس از انحلال ازدواج به وسیله ولی خود می‌تواند محدوداً بدون نیاز به اذن ولی با آن شخص ازدواج کند زیرا وصف باکره را ندارد و مشمول ماده مذکور نیست؛ النهاية چنین تتجه گرفته می‌شود که دختر باکره و بالغ ضرفاً برای ثبت رسمی ازدواج نیاز به اجازه ولی دارد و برای واقع ساختن آن دارای اهلیت تمام است.

منابع

- (۱) دکتر محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، مرکز نشر علوم انسانی، ج ۱۸
- (۲) دکتر صفایی، سید حسین، (دکترا) امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، لشزمیزان، ج ۳۷۲
- (۳) حق پرست، شعبان و یوسفزاده، صمد، مقاله «تحول مفهوم رضایت ولی نسبت به دختر باکره بالغ در ازدواج»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۲، سال ۹۶

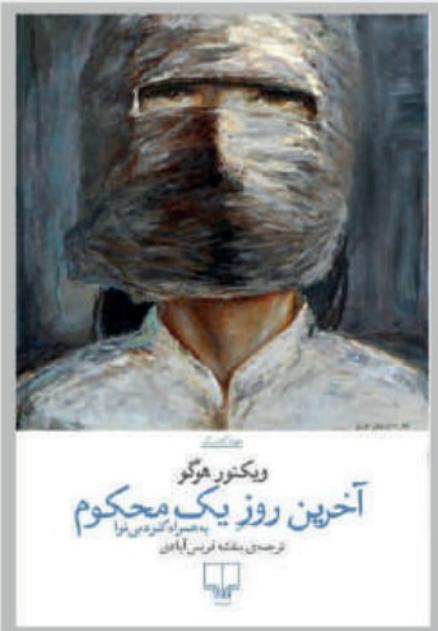
به این ترتیب من شمارا به مرگ محکوم می‌کنم!

نگارش و گردآوری؛ ریحانه لوکی

مقدمه

#نجات_آرمان، هشتگی که توانست در مدت کوتاهی به یکی از داغترین هشتگ‌های قضای مجازی تبدیل شود. اجرای حکم پرونده‌ی جنجالی قتل «غزاله شکور» به دست «آرمان عبدالعالی»، جوانی که هنگام ارتکاب جرم روزهای پایانی هفده سالگی راسپری می‌کرد، به علت وجود ابهامات فراوان و تردیدی کی از قضات نسبت به حکم، برای مدتی به تعویق افتاد. رسانه‌ای شدن پرونده مذکور توانست افکار عمومی را نسبت به محکومیت اعدام حساس کند و نه تنها جامعه‌ی حقوقی بلکه عامه‌ی مردم را با جالش «محکومیت به اعدام، بله یا خیر؟» مواجه کرداند. در اولین شماره از بخش فرهنگی قصد داریم با معرفی منابعی حول محور حکم به اعدام، شما را در قضایت مقبولیت یا عدم مقبولیت محکومیت اعدام پاری کنیم.

معرفی کتاب



آخرین روز یک محکوم اثر ویکتور هوگو؛ آخرین روز یک محکوم، رمان ادبی کوتاهی از نویسنده‌ی نامی فرانسوی، ویکتور هوگو است. این رمان تفکر مردی محکوم به مرگ را بارگو می‌کند. کتاب شرحی است بر احساسات هوگو نسبت به محاذات اعدام، او چند بار چشم انداز محاذات با گیوتن را دیده و از استفاده‌ی جامعه از آن بسیار خشمگین بود. یک روز پس از عنوان از مکانی که یک محکوم به اعدام، به انتظار اعدام از پیش برنامه‌بندی شده بود، شروع به نوشتن کتاب آخرین روز یک محکوم کرد. ماجرای مردی که در قرن ۱۹ به مرگ به گیوتن محکوم شده و در انتظار اعدام، الیشه، تفکر، احساسات و ترس خود درباره اعدام را می‌نویسد. داستان یا ورود یک گشیش به زندان برای طلب بخشش و توبه‌ی زندانی و گفت‌وگوهای بین آن‌ها ادامه می‌باید. فرد محکوم به شدت خواستار عفو و بخشش مردم است تا بار دیگر همچون یک شهرورد خوب و به دور از جرم و جنایت، به زندگی در کنار دختر گوچکش ادامه دهد. اما قضایت وجودان عمومی درباره محکوم چه خواهد بود؟

معرفی پادکست

اعدام برای بدترین بدترین‌ها

درباره‌ی پادکست: «هر بار که برای متهمی تقاضای اعدام می‌شود موافقین و مخالفین حکم اعدام شروع به بحث می‌گند و رسانه‌ها از می‌شود از دلایل تکراری و تازه‌ی دو طرف مناظره. اما گاهی جرم ارتكابی طوری است که بعضی از مخالفان گلی اعدام نیز سکوت کرده و یا وسوسه می‌شوند که در این مورد خاص استثنائی قائل شوند. متأثر مورد متهمی که چند کودک را به قتل رسانده، در اپیزود ۴۰ «جنل بی، ماجرا و کیلی را می‌شنویم که مخالف سرشت اعدام است و معمولاً دفاع از جنلین متهمانی را بر عهده می‌گیرد. «جودی کلارک» تا به حال جان جلد بمبگذار و کودکش و هنجاور را نجات داده و در حال حاضر دارد از «جوین سارنیت» بمبگذار ماراتن را سوتون دفاع می‌کند. پادکست بدترین بدترین‌ها را می‌توانید با اسکن کد QR درج شده در صفحه به صورت مسنومیم دانلود کنید.»



دانلود نمایشگر پادکست با زدن روی اینکد، کنید

معرفی فیلم

(Trial by Fire) محاکمه با آتش
روایت واقعی از یک تراژدی قضایی
در زان؛ بیوگرافی درام
محصول ۲۰۱۸ آمریکا
کارگردانی؛ ادوارد زوئیک

در اولین ساعات روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۱، در شهر کوچکی در ایالت تگزاس، خانه «کمرون تاد ویلینگهام» در آتش مهیب می‌سوزد. شعله‌ها جان سه دختر کوچک ویلینگهام را می‌گرد و تاد، تنها بازمانده‌ی این تراژدی غم‌انگیز می‌شود. به فاصله‌ی گوشه‌ی ویلینگهام به اتهام آتش‌سوزی عمده و قتل سه دخترش دستگیر و به اعدام محکوم می‌شود. پدر جوان تا آخرین لحظات محاکمه قسم می‌خورد بی‌گناه است. فیلم با شرح تلاش‌های وی برای اثبات بی‌گناهی خود ادامه پیدا می‌کند. فیلم‌نامه اقتباسی است از یک پرونده‌ی جنایی، که با اعدام فردی بی‌گناه مختصه می‌شود. فیلم محاکمه با آتش، با ایجاد شرایط دشوار، معانی بزرگی را به مخاطب منتقل می‌کند. می‌توان گفت این فیلم انگیزه‌ای برای تغییر نگرش به محاذات اعدام ایجاد خواهد کرد.



منابع

- 1-akharinkhabar.ir
- 2-31nama.ir
- 3-channelbpodcast.com

هزینه‌های انجام معاملات کاهش باید. در ادبیات اقتصاددانان بگشود، معمولاً به عنوان رابطه‌ای از قراردادها شناخته می‌شود. به طور کلی، این توصیف مبهم است. معمولاً تأکید می‌شود پیشتر، روابط مهم شرکت که در عمل شامل روابط بین صاحبان شرکت، مدیران و کارکنان می‌گردد اساساً قراردادی بوده و از این جهت مبتنی بر رضایت هستند. این تحلیل شاید تطبیق پیشتری برای توصیف یک شرکت به عنوان رابطه‌ای از قراردادها باشد، از این جهت که شرکت اساساً در بسیاری از قراردادها با کارکنان، مشتریان و مصرف‌گذگان به عنوان طرف مقابل ظاهر می‌شود.

حق مالکیت شرکت بر دارایی مشخص شامل حق بر استفاده، فروش و از همه مهم‌تر در دسترس بودن برای بستانگاران است. مقابله‌گوون دارایی شرکت به عنوان متعلقات شرکت (و نه صاحبان شرکت) در نظر گرفته می‌شود، لذا دارایی شرکت برای طلب شخصی صاحبان شرکت قابل دسترس نخواهد بود.

حقوق شرکت‌های تجاری

نویسنده: آرمان یعقوبی مقدم
دانشجوی کارشناسی رشته حقوق

مقدمه

آیا ساختار کلی حقوق شرکت‌های تجاری با همان طور که در برخی از نظامهای حقوقی، حقوق شرکت‌ها گفته می‌شود، در نظامهای حقوقی مختلف ملی متفاوت است؟

اگرچه این سوال به ندرت توسط محققان حقوق شرکت‌ها پرسیده می‌شود، اما برای محققان حقوق تطبیقی، به نحو انتقادی پرسشی مهم است. محققان اخیراً بر تابیخ حاکمیت شرکتی، سهام سهامداران، بازار سرمایه و قره‌نهنگ تجارت در اروپا، آمریکا و زبان تأکید می‌کنند. با وجود تفاوت‌های اساسی در نظامهای حقوق مختلف، بکسانی فرم (شکل) شرکت‌ها چشمگیر است. شرکت‌های تجارتی دارای شخصیت حقوقی بکسان اند و با مشکلات مشابه‌ای در تمام نظامهای حقوقی روبه‌رویند. در رابطه با شرکت‌های تجاری، پنج ویژگی وجود دارد که بیشتر آن‌ها به آسانی برای هرگنس که با امور تجارتی سروکار دارد قابل درک است:

۱- شخصیت حقوقی

۲- مسئولیت محدود

۳- سهام قابل انتقال

۴- تفویض مدیریت به هیئت مدیره

۵- سرمایه‌گذار

این ویژگی‌ها به ترتیبی که خواهد آمد به ضرورت‌های اقتصادی شرکت‌های مدنی تجارتی پاسخ خواهند داد. واقعیت قابل نوجوه که ما قصد داریم تأکید نماییم این است که در اقتصاد بازار، تمام شرکت‌های تجارتی، شکل قانونی‌ای را بر می‌گزینند که هر پنج ویژگی اساسی از شرکت‌های نجاری را داشته باشد: حتی شرکت‌های مشترک نیز این شکل از شرکت‌ها را بر می‌گزینند. گرچه بعضی مواقع به منظور تأمین نیازهای خاصشان از یک یا بیشتر این پنج ویژگی تحضی می‌نمایند. یک نکش اساسی حقوق شرکت‌ها فراهم آوردن سرمایه‌گذاران تجارتی همراه یک شکل قانونی است که این پنج ویژگی اصلی را داشته باشد. حقوق شرکت‌ها با فراهم ساختن این شکل گسترش قابل دسترس و کاربر پسند، سرمایه‌گذاران را قادر خواهد ساخت تا به آسانی از طریق شرکت معامله نمایند و بنابراین

ترجمه و تلخیص مقاله

The Essential Elements of Corporate Law.
John Armour, Henry Hansmann, Reinier Kraakman

حصوون

علومی

دانشگاه گیلان

طرق ارتباطی با انجمن علمی حقوق دانشگاه گیلان



 guilans.law.forum@gmail.com

 [@guilan_university_law](https://www.instagram.com/guilan_university_law)

